

اسلامی فقهی موسیقی در جامعه بررسی تاریخی اجتماعی

محمد حسین فیاض



(با رویکرد دمبوره نوازی در افغانستان)



چکیده

تاریخ غنا در اسلام با آوازخوانی زنان مکه علیه پیامبر اسلام، به منظور تشجیع سپاه کفر، آغاز شد و با برپایی بزم‌های خوش‌گذرانی و عیش و نوش در دربار خلفای بنی‌امیه، بنی‌عباس و خانواده‌های اشراف ادامه یافت. غنا در زمان حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس چنان رونق یافت که دو شهر مکه و مدینه را به پایگاه اصلی خود تبدیل کرده و به عنوان رسانه حکومت درآمد. مغنیان، اشعاری را می‌خواندند که در وصف خلفا و مشروعیت حکومت آنان سروده می‌شد. شاعران و مغنیان در دربار خلفا و والی‌های آنان قدر و منزلت ویژه داشتند.

در اوضاع و شرایط یادشده، پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) با غنا برخورد بسیار تند داشته و تلاش کرده‌اند مردم را از گرفتار شدن در دام غنا باز دارند. از این‌رو، روایاتی که در کتب روایی، تفسیری و فقهی راه یافته، همه در نکوهش و بازگویی اثرات زیانبار غنایند و در آن‌ها به ویژگی‌های غنا و تفکیک موسیقی حلال از حرام پرداخته نشده است و شاید اصلاً تصویری برای موسیقی غیر از غنا وجود نداشته است. دقیقاً همین موضوع باعث استنباط‌های مختلف از موسیقی شده است. البته در فقه سنتی با تکیه بر آیه لَهوَالْحَدِيث و روایات مربوط به غنا، تلاش شده است ویژگی‌های صوری غنا مانند: مدّ (کشیدن) صوت همراه با ترجیع (برگردانیدن و بازگشت دادن آواز) و طرب (شادمانی)، به عنوان موسیقی حرام تبیین شود.

لازم به یادآوری است که در قرن اخیر، عناوین «مناسب بودن با مجلس عیش و نوش»، «مترتب نبودن مفسده» و «مناسب نبودن با مجلس لَهو و گناه» بر تعریف غنا افزوده شده و در فتوای علمای اخیر، موضوع «محتوا» و «رسانه مخالف بودن» نیز مطرح شده است. به نظر می‌رسد مجموع ویژگی‌های یادشده برای غنا، راه را برای تفکیک موسیقی حلال از موسیقی حرام باز کرده است.

کلیدواژه: موسیقی، غنا، آوازخوانی، دمبوره

موسیقی از منظر تاریخی

جامعه عرب از گذشته با موسیقی ابتدایی و آوازخوانی برای رانندگی شتران و خواندن رجز در جنگ‌های داخلی و همیشگی‌شان، آشنا بودند. در میان سرمایه‌داران مکه، سرودها و همخوانی‌ها نیز رواج داشت؛ چنان‌که در جنگ احد، زنان و دختران آوازخوان مکه برای تشجیع مردان جنگی‌شان، از موسیقی کار گرفته و با محتوای تحریک جنسی آنان را وادار به جنگ می‌کردند:

«نحن بنات طارق/ نمشی علی النمارق

إن تقبلوا نعانق/ أو تدبروا نفارق/ فراق غیر وامق»

«ما دختران ستاره زهره‌ایم. بر فرش‌های گران‌بها پا می‌گذاریم. اگر پیروز شوید با شما هم‌آغوش می‌شویم و اگر فرار کنید از شما دوری خواهیم گزید و دیگر دوست‌تان نخواهیم داشت.»

پیامبر (ص) بعد از مشاهده چنین رفتاری، این‌گونه فرمودند: «پروردگار! به تو پناه می‌بریم و در راه تو می‌جنگیم. خدا برای من کافی

است و او بهترین پشتیبان من است.» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج: ۱، ۳۱۷).

در عصر جاهلی دو نوع آواز طرفدار داشت:

۱. موسیقی قیان (جمع قینه یعنی مُغَنّیه لَهوی خوان):

۲. موسیقی نوحه‌خوانان؛

۳. سرودهای حماسی.

پیامبر گرامی (ص) هر دو را صوت شیطانی خوانده و با آن مخالفت کردند؛ زیرا اولی هواها و خواهش‌های نفسانی و شیطانی را برمی‌انگیخت و دیگری در سوگ کسانی مرثیه خوانده می‌شد که دخترکشی از افتخارات آنان به شمار می‌رفت (مجمع جهانی شیعہ، ۱۳۹۵).

نوع سوم، سرودهای حماسی و معرفتی مورد مخالفت پیامبر قرار نگرفت. گزارش‌هایی از سرودخوانی رسول خدا (س) با صدای بلند در حفر خندق و در جنگ احزاب نیز در دست‌اند که اصحاب آن را همراهی کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج: ۲۰، ۱۹۹ و ۲۰۰).

موسیقی در زمان خلفا

ابوالفرج اصفهانی، شوقی ضیف، مسعودی و دیگر مورخین گزارش‌های مفصلی از وجود آوازخوانی اصحاب رسول خدا و برخی سرداران در زمان سفر و بالای شتران و اسب‌ها، گزارش کرده‌اند. موسیقی از روزگار جاهلی میان عرب رواج داشت؛ اما در عصر خلفا دگرگون و به فن مستقل بدل شد (سپهری، ۱۳۹۲: ۱۴۲). البته روشن است که این روند، به تدریج سیر تکاملی داشته است.

۱. معاویه (خلافت از ۴۰ تا ۶۰ هجری)

ابن عباس می‌گوید: «در سفری همراه پیامبر بودیم. آواز دو نفره که به یکدیگر پاسخ می‌دادند، توجه همه را جلب کرد. پیامبر پرسید: چه کسانی آواز می‌خوانند؟ گفتند: معاویه و عمرو عاص. پیامبر دست به سوی آسمان برآورد و چنین دعا کرد: خدایا، آنان را واژگون کن و به سوی آتش ببر.» (طبرانی، بی‌تا، ج: ۱۱، ۳۸). (این روایت در مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج: ۳۳، ص: ۲۴، و چندین کتاب معتبر شیعه و اهل سنت نیز آمده است.)

از نظر ابن ابی‌الحدید، معاویه ضمن انجام دیگر محرمات الهی، با آوازهای غنا و لَهو و طرب مأنوس بود؛ سفره‌های رنگین می‌انداخت و به غذاهای لذیذ و خوش طعم بسیار رغبت داشت (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج: ۵، ۱۳۰ و ۱۳۱). شاید به همین دلیل است که از نظر علامه امینی، معاویه اولین کسی که به غنا و طرب پرداخت و آن را مورد حمایت قرار داد (امینی، ۱۳۷۲، ج: ۱۱، ۷۴).

۲. یزید بن معاویه (خلافت از ۶۰ تا ۶۳ هـ)

یزید بن معاویه، نسبت به پدر، پافراتر گذاشت و «نخستین خلیفه‌ای بود که آشکارا شراب نوشید و به شکار رفت؛ زنان نوازنده و خواننده و غلامان را در نزد خود گرد آورده بود.» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج: ۵، ۲۸۶).

ابوالفرج اصفهانی یزید را اولین کسی دانسته که «ملاهی را در اسلام و آوای مغنیان را سنت کرد. او آشکارا به شرب خمر پرداخته به قدری



در نوشیدن شراب زیاده روی می کرد که به او یزید الخمرور می گفتند. (اصفهان، ۱۴۱۵، ج ۱۷: ۱۹۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۵: ۳۱۹).

۳. یزید بن عبدالملک (خلافت از ۱۰۱ تا ۱۰۵)

پس از یزید بن معاویه که ممالک اسلامی درگیر جنگ مختار با امویان و زبیریان از یک سو و جنگ زبیریان با امویان از سوی دیگر بود، چندان گزاشی از وضعیت آوازخوانی و اخلاق شخصی درباریان در دست نیست؛ اما روشن است فرهنگی که از زمان معاویه و فرزندش یزید ترویج شده بود، جریان داشته است؛ زیرا در دوره یزید بن عبدالملک که آرامش در قلمرو حکومت اسلامی برپا بود، آن فرهنگ خود را نشان داد و شخص خلیفه در این میان، پیشتاز بود.

مسعودی نوشته است: «روزی یزید بن عبدالملک، ابن عایشه را طلبید، همین که حضور یافت، دستور داد، آواز بخواند. او مقداری آواز خوانده، یزید در حال طرب، خداوند را انکار کرد و به ساقی خود گفت: ما را به حق آسمان چهارم شراب ده.» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۹).

این مورخ می افزاید: «فساد و آلودگی یزید به اطرافیان و عَمال وی نیز سرایت کرده و در زمان او ساز و آواز در مکه و مدینه آشکار گردید و مجالس بزم برپا شدند و مردم آشکارا به شراب خواری پرداختند.» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۶۷).

۴. ولید بن یزید (تاریخ خلافت از ۱۲۵ تا ۱۲۶ ق)

ولید بن یزید اموی با این که یک سال بیشتر حکومت نکرد، در بخش خوش گذرانی، پرداختن به لهو و لعب و آواز لهوی، چنان تند و افراطی حرکت کرد که زبازند خاص و عام شد. وی خود نیز آوازخوان بود و «در زمینه موسیقی آهنگ هایی از او مانده است.» (اصفهان، ۱۴۱۵: ۲۷۴ تا ۲۷۶).

ابوالفرج اصفهانی از شخصیت واقعی ولید و اخلاق او پرده برداشته می نویسد: «او روزی ابن عایشه آوازخوان را دستور داد آواز بخواند و چنان از آواز او به نشاط آمد که گفت: أحسنت! به خدا قسم ای فرمانروای من! سپس جامه اش را در آورد و روی او انداخت و خود برهنه ماند، تا وقتی که جامه دیگری آوردند و هزار دینار به او بخشید و بر استری سوارش کرد و گفت: پدرم فدایت! سوار استر شو و برگرد، در حالی که از حرارت آواز مرا چون دیگ جوشان واگذاشتی.» (ابوالفرج، ۱۹۹۲، ج ۸: ۳۲۴).

مسعودی نیز می افزاید: «ولید دلباخته طرب و سماع و شیفته آواز مغنیان بود، او آوازخوان ها را از شهرهای دیگر نزد خود می خواند و با مطربان حشر و نشر دایم داشت.» (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۱۳). «پس از رسیدن به خلافت، بر عیش و نوش و خوش گذرانی و شکار و همنشینی با تبهکاران و روسپیان و اهل فسق و فجور بیش از پیش افزود.» (ابن عبری، ۱۹۹۲: ۱۱۸)، به طوری که خود در این باره سروده بود:

«اشهد الله و الملائکه الابرار و العابدین اصل الصلاح انی اشتهی السماع و شرب البراح و العَص فی الخدود و الملاح.»

«خداوند و فرشتگان و نیکان و پرستش گران و به سامانان تو گواهند

که من دوست دار آواز خوش و نوشیدن شراب و بوسیدن گونه های زیبایم.» (مقدسی، بی تا: ۵۱). او در حالت مستی، آواز ابن عایشه را می نیوشید، مدام خواهان تکرار آواز او می شد؛ به طوری که چنان عقل گسسته می شد که شروع به بوسیدن دست و پای مغنی می کرد. سپس هزار دینار طلا به او می بخشید و او را «امیر خود» خوانده. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۱۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۷۸ تا ۴۷۹). حکایت دلدادگی یزید بن عبدالملک به حبابه آوازخوان، زبازند شده بود. خلیفه امور حکومتی، عزل و نصب کارگزاران را به حبابه سپرده بود! (بغدادی، ۱۴۱۸، ج ۹: ۴۴۷).

این خلیفه اموی در این راه چنان پیش رفت که به دلیل ترویج غنا و بخشش های فراوان به آوازخوانان، آوازخوانی تبدیل به مسأله مهم جامعه شد. وی سلامه القس آوازخوان را به بیست هزار دینار خرید (اصفهان، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۲۴). معبد مغنی را از مدینه به دمشق فراخواند (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۲۴۰).

البته خلفای بنی امیه از عهد ولید بن عبدالملک، زنان و مردان آوازخوان را بیش از شاعران گرامی می داشتند و به آنان جوایز ارزشمند می دادند (اصفهان، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۸۳). چنان که یزید بن عبدالملک در مجلسی به معبد، مالک بن ابی مسح و ابن عایشه، هر یک هزار دینار داد (همان، ج ۲۲: ۱۰۱-۱۰۲). ولید بن یزید بن عبدالملک در این زمینه دستی گشاده تر داشت؛ چنان که تنها یک بار دوازده هزار دینار به معبد داد (همان، ج ۱: ۵۳).

احوص، عبدالله بن محمد (۱۰۵ ق)، یک بار تنها به خاطر سرودن قصیده ای در ستایش خلیفه، ده هزار دینار طلا دریافت کرد (همان، ج ۴: ۲۴۰). او در مدح ولید بن عبدالملک و برادرش یزید شعر سرود و آنان را رهبران بر حق دینی و سیاسی خطاب کرد (همان، ج ۹: ۸). مغنیان هم اشعار او را می خواندند و صله دریافت می کردند (همان، ج ۱: ۲۸۹). این محبوبیت و تقرب او نزد خلفا باعث شده بود که بی پروا دختران و زنان را تشییع کند و از اوصاف ظاهری و زیبایی های فردی آنان تعریف نماید و البته کسی جرأت اعتراض به او را نداشت (همان، ج ۴: ۲۳۳ و ۲۳۴).

تشویقات یزید بن ولید از شعرای درباری و مغنیان، سبب شد که اغلب شاعران به مدح نهایت خلافت رو آورده و افراد زیادی در پی تربیت جوانان، خصوص کنیزان خود برای آوازخوانی برآیند. مسعودی می نویسد: «ولید، شراب خواری، عیاشی و موسیقی را بیش از پیش در سرزمین های اسلامی رواج داد به طوری که علاقه به ساز و آواز در بین همه مردم شیوع یافته بود.» (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۱۳).

جمیله از آوازخوانان مشهور مدینه با گروه هم سریان، ترانه می خواند که گاه شمارشان به پنجاه نفر می رسید. گروه او را زنان رقصنده ای نیز همراهی می کردند. جمیله، عود می نواخت و گروهش نیز با ضرب او آن را تکرار می کردند (اصفهان، ۱۴۱۵، ج ۸: ۲۱۸). خانه بزرگ او همواره از زنان و مردان آوازخوان پُر بود. خوانندگان بزرگ مکه چو ابن ابی السمع طائی، ابن عایشه، نافع بن طنبره و شمار دیگر از





اشعار را نزد خلیفه بخوانند. خلیفه با شنیدن آن اشعار دستور قتل کمیت را صادر کرد و کمیت کشته شد و امام باقر(ع) در حق او دعا فرمود (امینی، ۱۳۷۲: ۲۰۰).

خلفای اموی چون ولید بن یزید، سلیمان بن عبدالملک، ولید بن عبدالملک و... از مغنیانی چون حکم الوادی، ابن جریح، مطیع بن ایاس، ابن سریح، ابن عایشه، عطر د... می خواستند که اشعار عمر بن ابی ربیع را بخوانند. از نظر ابن قتیبه، وی مرد فاسقی بود که متعرض زنان در ایام مناسک حج می شد. او در کمین دختران و زنان مسلمان می نشست و هر زن زیبایی که می دید در وصف شمایل و محاسن او غزل می سرود. عمر بن عبدالعزیز او را از این کار منع و در مکان دور تبعید کرد (ابن قتیبه، ۱۹۰۲: ۱۳۲).

شراب خواری خلفا

کوچک ترین رفتار و اخلاق خلفا از نظر مورخین دور نمانده و ثبت شده است. یکی از این موارد، شراب خواری آنان است. در کتابی منسوب به جاحظ آمده: ولید بن عبدالملک، یک روز شراب می خورد و روز دیگر نمی خورد. سلیمان بن عبدالملک از هر سه شب، یک شب شراب می خورد. عمر بن عبدالعزیز تا زمانی که زنده بود، هرگز شراب نخورد و غنایی نشنید. هشام بن عبدالملک در هر جمعه، شراب می نوشید و مست می شد. یزید بن ولید و ولید بن یزید هر دو به لهویات و مشروب افراط می کردند؛ یزید بن ولید که همیشه بین نشنگی و مستی قرار داشت. مروان بن محمد شب سه شنبه و شنبه شراب می خورد؛ اما ابوالعباس سفاح فقط شامگاه سه شنبه شراب می نوشید (جاحظ، ۱۹۱۴، ج ۲: ۲۹۵).

خوانندگان مدینه در آن شرکت می کردند (همان، ج ۸: ۱۸۸-۲۱۸). هم چنین زنان خواننده ای مانند سلامة القس، حبابه، خلیده، عقیله، عزة المیلاء، لذة العیش و بلبه نیز در آن مجلس حاضر می شدند (همان: ۲۱۸-۲۲۰).

سائب خاثر (۶۳ق)، طویس (۹۲ق)، معبد بن وهب ابوعباد مدنی (۱۲۶ق)، یونس کاتب (۱۳۵ق)، عبیدالله بن سریح (م زمان عبدالملک)، نشیط فارسی (از موالی عبدالله بن جعفر) از مشاهیر آوازخوانی و مغنیان عرب بودند.

مغنیان، اغلب غزل های عاشقانه و شعرهای سیاسی در حمایت دربار را می خواندند و این، نوعی رسانه بود. حتی شعر مخالف حکومت هم باید به آهنگ تبدیل می شد تا بیشتر مؤثر باشد؛ چنان که «کمیت اسدی» بر ضد خالد القسری، حاکم مدینه و خلیفه (مروان بن محمد) شعری گفت. خالد هم از مغنیان خود خواست، روی شعر او آهنگی بسازند. سپس آن آوازخوانان را فرستاد تا همان

مغنیان، اغلب غزل های عاشقانه و شعرهای سیاسی در حمایت دربار را می خواندند و این، نوعی رسانه برای دربار بود. حتی شعر مخالف حکومت هم باید به آهنگ تبدیل می شد تا بیشتر مؤثر باشد؛ چنان که «کمیت اسدی» بر ضد خالد القسری، حاکم مدینه و خلیفه (مروان بن محمد) شعری گفت. خالد هم از مغنیان خود خواست، روی شعر او آهنگی بسازند. سپس آن آوازخوانان را فرستاد تا همان اشعار را نزد خلیفه بخوانند.



خلفا آرام آرام با موسیقی آشنا شدند و وقت خود را در لهو و لعب و شنیدن ساز و آواز صرف کردند. همین شورمندی، راه را برای ورود موسیقی دانان، رامشگران، خوانندگان و نوازندگان ایرانی، رومی به حوزه مسلمانان باز کرد و سازهای آنان همچون چنگ، تنبور، بریط (عود) و... میان مسلمانان رواج یافتند...

۵. عباسیان

فرهنگ به جای مانده از خلفای اموی به صورت طبیعی به خلفا و دربار عباسیان منتقل شد؛ چنان که در عهد مهدی عباسی (خلافت از ۱۵۸ تا ۱۶۹)، خیزران آوازخوان، همه کاره امور قصر خلیفه بود (منجد، ۱۹۸۰: ۸). مهدی عباسی در بیت شعری خطاب به کنیزک خود به نام جوهر می گوید: «تو در خلافت از من سزاوارتر هستی.» (جاحظ، البیان والتبیین، ۲۰۰۲، ج ۳: ۲۴۱). دحمان اشقر از خوانندگان مهدی بود. وی در یک شب پنجاه هزار دینار پاداش دریافت کرد. در عین حال نماز، روزه و حج او ترک نمی شد (اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۱۳۳). مأمون (دوران خلافت از ۱۹۸ تا ۲۱۸ ق) به علویه می گفت: «یا علویه! خذ الخلافة منی و اعطنی صاحبة الصوت» «ای علویه! عنان خلافت را از من بگیر و در عوض این کنیزک خواننده را به من بپرداز» (همان، ج ۱۱: ۲۳۴).

زمینه های اجتماعی و سیاسی

فتوحاتی که از زمان عمر بن خطاب، خلیفه دوم شروع شد و تا زمان خلفای بنی امیه ادامه داشت، باعث شدند که غنائم و ثروت فراوان وارد سرزمین های اسلامی شوند. افزون بر ثروت و اموال زیاد، اسیران زیاد، مانند غلامان و کنیزان فراوان از مردمان و فرهنگ های مختلف وارد جامعه اسلامی شدند و اغلب آنان برای کسب امتیازات، قابلیت ها و توانمندی های خود را بروز می دادند. یکی از این توانمندی ها، آوازخوانی، رقص و عشوگری بود که کنیزان آن را درون خانه های ثروت مندان بردند؛ موسیقی در قرن اول اسلامی به اندازه ای از عوامل بیگانه تأثیر پذیرفت و گسترش و پذیرش عام یافت که گذشته از فقیهان و قاضیان، خلیفه و زاهد و عابدی همچون عمر بن عبدالعزیز در دوران امارت خود در مدینه آهنگ هایی ساخت. این آهنگ ها به نام خود او ثبت شده است (اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۲۵۴ تا ۲۷۴).

«خلفا آرام آرام با موسیقی آشنا شدند و وقت خود را در لهو و لعب و شنیدن ساز و آواز صرف کردند. همین شورمندی، راه را برای ورود موسیقی دانان، رامشگران، خوانندگان و نوازندگان ایرانی، رومی به حوزه

مسلمانی باز کرد و سازهای آنان همچون چنگ، تنبور، بریط (عود) و... میان مسلمانان رواج یافتند... مجالس آوازخوانی و سازنوازی آرام آرام در بلاد اسلامی برپا می شدند و قیان (زنان آوازخوان لهوی) در آن ها یکدیگر را پاسخ می گفتند و سازی نیز آنان را همراهی می کرد.» (سپهری، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

در کتاب های تاریخی از جمله «الآغانی» گزارش های مفصل درباره موسیقی حجاز آمده و به خوبی نشان می دهند که موسیقی در مدینه و مکه چه قدر گسترده بوده است. او در جای جای کتابش از زنان و مردانی در این شهرها یاد می کند که زندگانی خود را در غنا و موسیقی صرف می کردند. (سپهری، ص ۱۴۳). به عنوان مثال، ابن سریج و غریض روزهای جمعه به خانه ای در محله ای در مکه می رفتند و انبوهی از مردم مکه اعم از زن و مرد در آن جا گرد می آمدند و این دو بر چوکی می نشستند، می نواختند و آواز می خواندند (اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۷۶). خانه برخی اشراف نیز جای برپایی چنین محافل و مجالسی بود. خانه ابن ربیع، محفل ابن سریج و خانه ثریا دختر علی بن عبدالله بن حارث اموی، محفل آوازخوانی کسانی چون غریض، یحیی و سمیه بود (همان، ۲۰۹ تا ۲۱۳ و ج ۲: ۳۵۹). این زنان و مردان نوازنده و خواننده در مجالس عروسی و جشن های ختن اشراف شرکت می کردند و آواز می خواندند (همان، ج ۱: ۲۷۸). عمر ابن ابی ربیع شاعر در همین شهر مکه با ثریا دختر عبدالله ابن حارث اموی و دیگر زنان خاندان اشراف مکه آژادانه دیدار کرده و برای شان شعرهای عاشقانه می خواند (همان، ج ۱: ۹۱ و ۱۰۵). شوقی ضیف به ساختار و محتوای ترانه ها و اشعار مورد استفاده مغنیان پرداخته می گوید:

«خواستگاه غنا و موسیقی در این دوره، رواج بیش از حد غزل سرایی بود. مغنیان و آوازخوانان هر روز دنبال غزل نو بودند تا آوازی جدید و آهنگ تازه ابداع کنند و از این راه، نزد مردم و والیان حکومتی تقرب جویند. سرودن اشعار نغز کار آسانی نبود. لیکن پرورش مغنیان و آوازخوانان کنیز و غلام که زمینه های آن به دلیل حضور اسیران هنرمند فراهم شده بود، در مراکز متعدد رواج داشت. از این رو، رقابت میان این گروه فزونی گرفت.» (ضیف، بی تا: ۳۹).

عمر بن ابی ربیع یکی از شاعران مشهور و غزل سرا و ثروتمند بود. وی به مغنیان و آوازخوانان صاحب نام، پول می داد تا غزل های او را در الحان مختلف بخوانند. به غریض، بابت خواندن یکی از غزل هایش پنج هزار حق الصوت داد (اصفهانی، ج ۳: ۳۲۴). خود نیز دو کنیز خوش آواز به نام های بغوم و اسماء داشت. هر قطعه ای که می سرود ابتدا به آن ها عرضه می کرد و آن دو اشعار وی را در الحان مختلف می آزمودند (همان، ج ۱: ۱۶۵).

حضور موالی و بردگان در همه شئون اجتماعی واقعیت انکارناپذیر شده بود. «ثروتمندان مکه، مدینه، شام و مصر از وجود بردگان غلام و کنیز استفاده می کردند. بیشترین بهره مندی خلفا از کنیزان و غلامان مطرب بود؛ کسانی که به کرشمه چند کار انجام می دادند. دف در



کف، اشعار امثالی عمر بن ربیعہ را می‌خواندند و می‌رقصیدند و باده در دست خلیفه سرمست از نخوت و غرور را بی‌هوش و مدهوش عشوه‌گری‌های خود می‌کردند.» (ایرانی، ۱۳۸۶: ۲۱۳). بنابراین، «در دوره اموی عموم خلفا مروج مجالس لهو و لعب بودند. موسیقی کاربردی جز در شکل لهو و لعبی نداشت. باشگاه‌های موسیقی به مکانی برای هرزگی، فسق و فجور همراه با رقص و بدن‌نمایی تبدیل شده بود. کنیزها با لباس‌های حریری دف می‌زدند و آوازهای دلربا سر می‌دادند.» (همان: ۲۱۵).

برخورد علما

از خلال اخبار و حکایت الاغانی چنین استنباط می‌شود که در قرن دوم هجری و آغاز خلافت عباسیان، موسیقی امر فراگیر و عمومی بوده و عالم، فقیه، تاجر و بازاری و مردم عادی بدان علاقه‌مند بوده‌اند؛ با این فرق که موسیقی به دو دسته لهوی و غیر لهوی تقسیم می‌شده و علما حتی مانند مالک بن انس، یکی از ائمه مذاهب اربعه گاه آواز می‌خوانده‌اند. البته در هیچ یکی از منابع گزارش نشده که این علما در مجالس موسیقی لهوی و بزم‌های عیش و نوش و شراب هم شرکت داشته‌اند؛ چه این که «برخی موسیقی‌دانان بیشتر از عدول، فقه‌ها، محدثین و زهاد بوده‌اند. اسماعیل بن جامع سهمی قرشی، مشهور به ابن جامع (وفات ۱۹۲ق) آوازخوان و آهنگساز معروف، مرد متعبد و کثیر الصلاة و حافظ قرآن بوده و جامعه فقه‌ها را می‌پوشید.» (اصفهانی، ج ۶: ۴۸۸). اسحاق موصلی، بنیان‌گذار موسیقی عربی و مشهورترین معنی عصر عباسی (هارون رشید و مأمون)، مرد فقیه و محدث بود و در رده فقه‌اروزهای رسمی نزد خلیفه می‌رفت (اصفهانی، ج ۶: ۴۳۳) با وجود مقام عالی و شهرتی که در خوانندگی و نوازندگی داشت، در زمره مردان صالح و بسیارنماز به شمار می‌رفت. شهادتش نزد قضات مقبول بود و هرساله به حج می‌رفت (همان: ۶۳۲؛ ستایشگر، ۱۳۷۶: ۵۲۵).

باید افزود که موافقت یا مخالفت با غناء، تابع وضعی بود که در آن زمان پیدا کرده بود. ابوعثمان عمرو بن بحر، مشهور به جاحظ (۱۶۰-۲۵۵ق) می‌گفت: «در این زمان (سال ۲۱۵) جوانان شریف مدینه که با من دوستی دارند، موسیقی را فرا گرفته‌اند. جد را با هزل خلط نمی‌کنند و از حد خود تجاوز نمی‌کنند. به همین دلیل مدینه از دیگر شهرها بهتر است (جاحظ، ۲۰۰۲: ۲۱۹).

قرطبی در تفسیر خود گوید: «پیدایش اختلاف نظر میان فقه‌های اربعه اهل سنت (که همگان در عصر اموی و عباسی می‌زیستند) در خصوص حلال و حرام و مکروه و مباح بودن غناء، تابع شناختی بود که از موسیقی زمان خود داشتند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴: ۱۴۴).»

موسیقی در متون دینی

موسیقی در کل، در فقه اسلامی، خصوص فقه شیعه، بحث چالش‌برانگیز بوده و در طول تاریخ فقه اسلامی، درباره آن دیدگاه‌های متفاوت وجود داشته است. آنچه مسلم و قطعی است در مورد «غنا» توافق نظر وجود دارد که چنین موسیقی حرام است؛ اما در مورد موسیقی غیر مطرب،

مستندات قرآنی و روایی

در قرآن پیرامون سه آیه «لهو الحدیث»، «قول الزور» و «هم عن الغو معرضون» بحث غنا مطرح شده و برخی تفاسیر، سه سخن لهو الحدیث، قول الزور و سخن لغو را افزون بر تفسیرهای دیگر، با تکیه بر روایات، به غنا تفسیر کرده‌اند.

۱. «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»؛ (بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند برای آنان عذابی خوارکننده است!) (لقمان، ۶). «وَإِذَا تَنَالَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنِهِ قُفْرًا قَبْسَرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ (چون آیات ما بر او خوانده شود، متکبرانه روی برمی‌گرداند، گویی آن‌ها را نشنیده است، انگار در دو گوشش سنگینی است، پس او را به عذابی دردناک مژده ده.) (لقمان، ۷).

شیخ طوسی، بر این باور است که این آیه درباره نضر بن حرث بن کلداه نازل شده است. وی کتاب‌هایی می‌خرید که در آن داستان مربوط به ایرانیان از قبیل رستم و اسفندیار بوده و مردم را به آن مشغول می‌کرد تا از شنیدن قرآن منصرف شوند (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۲۸۱).

ابن جریر از طریق عوفی از ابن عباس نقل می‌کند که آیه ۶ سوره لقمان (لهو الحدیث) درباره مردی نازل شده که کنیز آوازخوانی خریده بود. جویری از ابن عباس روایت کند که نضر بن حرث کنیزان آوازه‌خوان می‌خرید و به کسانی که اراده مسلمان شدن داشتند برای بدر بردن از دائرة اسلام به طرف این کنیزان می‌برد و به کنیزان می‌گفت: به اینان بخورانید و برای ایشان آواز بخوانید و شراب بدهید؛ زیرا این کار بهتر از نماز و روزه محمد و جهاد در راه خدایی است که او می‌گوید (سیوطی، ۱۴۲۲: ۱۵۳).

اکثر مفسرین بر آنند که مقصود از لهو الحدیث در این جا غنا یعنی موسیقی و آوازخوانی است؛ چنان‌که از ابن عباس و ابن مسعود و دیگران همین تفسیر آمده و از امام باقر و امام صادق و حضرت رضا (ع) نیز در این باب روایت آمده که تغنی از جمله لهو الحدیث و کلام بیهوده است. از امام صادق (ع) روایت آمده که فرمود مقصود طعن زدن به حقایق و استهزای آن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۹۰).

ابو کریب با سندش از رسول خدا روایت کرده که حضرت فرمود: خرید و فروش و تجارت آوازخوانان و پرداخت هزینه به آنان جایز نیست. در این مورد این آیه نازل شده: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱: ۳۹).

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»؛ (آن بندگان



در خدمت امام ششم (ع) بودم که شخصی گفت: در همسایگی من کسانی هستند که کنیزهای آوازخوان و موسیقی دان دارند و گاه و بی گاه می خوانند و می نوازند. گاهی که برای کاری به طرف دیوار خانه آنان می روم، اندکی توقف می کنم تا آواز آن ها را بهتر و بیشتر بشنوم! حضرت فرمود: دیگر این کار را تکرار مکن.

آن وعده آتش داده است، سپس این آیه را تلاوت فرمود: وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۶: ۴۳۱). خانه ای که در آن غنا باشد، از مرگ و مصیبت دردناک در امان نیست، دعا در آن به اجابت نمی رسد و فرشتگان وارد آن نمی شوند (همان: ۴۳۲).

مسعده بن زیاد می گوید: «در خدمت امام ششم (ع) بودم که شخصی گفت: در همسایگی من کسانی هستند که کنیزهای آوازخوان و موسیقی دان دارند و گاه و بی گاه با عود می خوانند و می نوازند. گاهی که برای کاری به طرف دیوار خانه آنان می روم، اندکی توقف می کنم تا آواز آن ها را بهتر و بیش تر بشنوم! حضرت فرمود: دیگر این کار را تکرار مکن.» (همان: ۴۳۲).

شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) در استبصار روایت می کند: «حسن بن علی وشاء می گوید: از حضرت رضا (ع) سؤال شد: کنیز آوازخوان را می شود خرید و فروش کرد؟ فرمود: مردی کنیزی دارد که او را با آواز خود مشغول می کند. پولی که از محل فروش او به دست می آید، مانند پولی است که از فروش سگ به دست می آید و حرام است.» (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۶۱).

امام صادق (ع) فرمودند: «زن آوازخوان مورد لعن است و ملعون

خدا کسانی هستند که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند) و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند بزرگوارانه از آن می گذرند.» (فرقان، ۷۲).

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۳۰) این است (احکام حج) و هر کس اموری را که خدا حرمت نهاده بزرگ و محترم شمارد البته این برایش نزد خدا بهتر خواهد بود. و چهارپایان غیر آن چه تلاوت خواهد شد [در سورة مائده آیه ۳ آمده است. (م)] همه برای شما حلال گردید، پس از پلید حقیقی یعنی بتها اجتناب کنید و نیز از قول باطل (مانند دروغ و شهادت ناحق و سخنان لهو و غنا) دوری گزینید (حج، ۳۰).

صاحب مجمع البیان گفته: کلمه «زور» در اصل، به معنای جلوه دادن باطل به صورت حق است و بنا به گفته وی این کلمه به وجهی شامل دروغ و هر لهو باطلی از قبیل: غنا و دریدگی و ناسزا نیز می شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۳۷؛ طبری، ج ۱۹: ۳۱؛ طبرسی، ج ۷: ۱۳۱).

امام باقر (ع) فرمود: غنا، از جمله گناهانی است که خداوند برای



است کسی که درآمد او را بخورد.» (همان: ۶۱).

مستندات حرمت آوازخوانی زنان

روایات راجع به موسیقی، فراوان است و مشخصاً در مورد غنا، روایات برخورد بسیار شدید دارد که به مواردی اشاره شد. در این جا به چند نمونه که مربوط به آوازخوانی زنان می شود، اکتفا می کنیم:

۱. مسعدة بن زیاد می گوید: «در خدمت امام ششم (ع) بودم که شخصی گفت: در همسایگی من کسانی هستند که کنیزهای آوازخوان و موسیقی دان دارند و گاه و بی گاه می خوانند و می نوازند. گاهی که برای کاری به طرف دیوار خانه آنان می روم، اندکی توقف می کنم تا آواز آن ها را بهتر و بیشتر بشنوم! حضرت فرمود: دیگر این کار را تکرار مکن.» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱۲: ۷۸۴).

۲. قَالَ سُبُلُ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) عَنْ شِرَاءِ الْمُغْنِيَةِ فَقَالَ قَدْ تَكُونُ لِلرَّجُلِ الْجَارِيَةُ تُلْهِيهُ وَ مَا تَمْنُهَا إِلَّا تَمْنُ كَلْبٍ وَ تَمْنُ الْكَلْبُ سُحْتٌ وَ السُّحْتُ فِي النَّارِ (حسن بن علی و شاء می گوید: از حضرت رضا (ع) سؤال شد: کنیز آوازخوان را می شود خرید و فروش کرد. فرمود: مردی کنیزی دارد که او را با آواز خود مشغول می کند. پولی که از محل فروش او به دست می آید، مانند پولی است که از فروش سگ به دست می آید و حرام است (همان، ج ۹: ۶۶۳).

۳. أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ الْمُغْنِيَةُ مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَكَلَ كَسْبَهَا (همان، ۶۶۰)؛ (امام صادق (ع) فرمودند: «زن آوازخوان مورد لعن است و ملعون است کسی که درآمد او را بخورد.»

چنان که از نظر گذشت، روایات یادشده بر آوازخوانی کنیزهای اشراف دارد که به عنوان منبع درآمد، مطرح بوده و ائمه (ع) مانع این کار شده اند. لازم به ذکر است که در زمان ائمه، موسیقی و آوازخوانی زنان به عنوان رسانه خلفای عباسی مطرح بود. خلفا در دربار خود مجالس عیش و نوش ترتیب داده و زنان آوازخوانی می کردند و گاهی چنین کارها در میادین شهر انجام می شد. مجالس خصوصی زیادی به انگیزه خوش گذرانی ترتیب می یافتند. طبیعی است که ائمه (ع) باید موضع تند گرفته و مردم را از این کارها بازدارند.

موسیقی و غنا از نظر فقها

آن چه در تاریخ غنا و زمینه های اجتماعی آن، از نظر گذشت، به قدر کافی متوجه شدیم که «غنا» چیست؛ اما مشکل در این جاست که در زبان روایات و تفاسیر، شکل و ساختار غنا به روشنی بیان نشده است. از این جهت است که فقها در قرن های مختلف تعریف های متفاوت از غنا ارائه داده و اغلب روی شکل صوت تمرکز کرده اند و معمولاً در تعاریف شان در کنار غنا از «لهو» و «طرب» هم نام برده اند. بنابراین، ضروری است «غنا»، «لهو» و «طرب» را بشناسیم. نخست به ویژگی های غنا اشاره می کنیم.

غنا

الف. شکل و کیفیت صوت

در تعریف غنا، اغلب فقها روی شکل و کیفیت صوت تمرکز کرده اند.

مرحوم نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق) پس از آوردن دوازده قول درباره تعریف غنا می گوید: «قدر متیقن از عبارات مختلف بیان شده در مفهوم غنا، مدّ (کشیدن) صوت همراه با ترجیع (برگرداندن و بازگشت دادن آواز) و طرب (شادمانی) است.» (نراقی، بی تا، ج ۱۸: ۱۸۲؛ خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۹۷).

آیت الله بهجت، ضمن برشمردن نکات یادشده بر جنبه اثرگذاری روحی آن در ایجاد حزن و شادمانی و نشان دادن علامتی برای غنا می گوید: «غنا، کشیدن صدا و گردش آن در حنجره است، به گونه ویژه ای که طرب آور بوده و به علت شدت شادمانی به واسطه خیال وصول به محبوب و یا حزن و اندوه به واسطه خیال فراق و دوری او، موجب سبکی در انسان گردد و علامت آن مناسبت داشتن با مجالس اهل فسوق می باشد.» (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴: ۵۲۸) و در کل، در غنا، کیفیت آهنگ معیار حرمت است.» (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴: ۵۲۸). آیت الله خامنه ای نیز همین نظر را دارد. (خامنه ای، ۱۴۲۴: ۲۴۹).

ترجیع به معنای تردد صدا در گلو و زیر و بم دادن به صدا و آواز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۳).

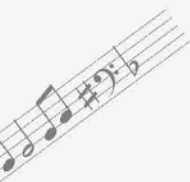
طرب از الفاظ اضداد است و به دو معنای فرح و حزن و یا احساس سبکی که در اثر شدت اندوه و شادمانی به انسان دست می دهد، به کار رفته است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۹).

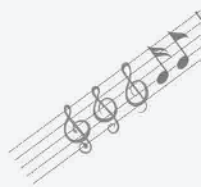
ب. غنا، امر محتوایی

اخیراً برخی از فقها مانند آیت الله منتظری و دیگران، غنا را امر محتوایی می دانند. آیت الله خامنه ای در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه می گوید: «حضرت آیت الله العظمی منتظری نظر خیلی جالبی در باب غنا دارند. وقتی ایشان در طیس تبعید بودند، به دیدن شان رفتم و اولین بار آن جا از ایشان شنیدم. ایشان می گویند: غنا یک امر محتوایی است و از آیاتی که در قرآن هست و در روایات به آن آیات استناد شده، ایشان استنباط می کنند که غنا یک امر محتوایی است؛ یعنی اگر شما یک چیزی را به آواز بخوانید که محتوای بدی داشته باشد، حرام است، البته با همان آواز و آهنگ خاص موسیقی. لکن اگر محتوای خوبی داشته باشد و «لهو الحدیث» و «لیضل عن سبیل الله بغیر علم» نباشد، این غنا نیست و حرام نمی باشد.

البته این را ایشان آن وقت به صورت قطعی بیان نکردند، بلکه نظر فقهی شان را به ما گفتند که بعد ما هم از قول ایشان در بسیاری جاها نقل کردیم. در این اواخر من به خود ایشان گفتم شما این نظرتان را بیاد دارید که آن وقت به ما گفتید؟ ایشان گفتند: بله، معلوم می شود الآن نظرشان همان است و تغییر نکرده؛ اما در مواردی که شبهه وجود داشته باشد که آیا این مثلاً غنا هست یا غنا نیست، طبق اصطلاح متدیک علمای اصول، این «شبهه مفهومی» است و در شبهه مفهومی، بیشتر بزرگان و علمای علم اصول، برائت جاری می کنند (خامنه ای، ۱۳۶۶).

آیت الله منتظری در فتوایی، «تحریک شهوت جنسی و کشش به فساد» را معیار حرمت می داند که این امر بیشتر به محتوا اشراف دارد





مقصود از لهو و لعب که در مورد بعضی انواع موسیقی‌ها گفته می‌شود، صدا، آهنگ و سازی است که معمولاً انسان را از خدا، حق و حقیقت باز می‌دارد و موجب غفلت و اعراض از راه خداوند و جلب به شهوت‌رانی، فساد جنسی یا خروج انسان از حالت تعادل روانی و تعقل می‌شود. بنابراین، هر موسیقی، دارای تأثیرات مذکور نمی‌باشد.

اشراف و ثروتمندان معمول بوده، می‌باشد و این مجالس، مجالسی بوده که در آن خوانندگی به عنوان نمک آش استفاده می‌شده؛ یعنی خوانندگی و نوازندگی برای تشویق شرکت‌کنندگان به گناهان دیگر بوده است. اصلاً این نوع خوانندگی و نوازندگی به این معنا که در آن مجالس زنان با مردان شرکت می‌کردند و مجالس، مجالس عیاشی، هوسرانی، هرزگی، زنا، فسق و فجور بوده و ترانه‌هایی که تشویق‌کننده به این کار بوده، حرام است.» (بهشتی، ۱۳۸۷).

دقیقاً این استنباط، همان چیزی است که در تاریخ موسیقی و زمینه‌های اجتماعی آن در زمان ائمه و زمان صدور روایات، از نظر گذشت. طبیعی است که پیشوایان و ائمه شیعه با شدت تمام با آن مخالفت می‌کردند.

د. لهوی بودن

لهوی بودن، یکی از شرایط حرمت موسیقی است و در آن همه فقها اتفاق نظر دارند. آیت‌الله منتظری این موضوع را چنین تبیین کرده است:

«لهو، از نظر لغوی به معنای سرگرمی و غفلت و اعراض است و لعب به معنای بازی (در مقابل جدی) و مزاح کردن به قصد لذت بردن و تفریح و امثال آن است. مقصود از لهو و لعب که در مورد بعضی انواع موسیقی‌ها گفته می‌شود، صدا، آهنگ و سازی است که معمولاً انسان را از خدا، حق و حقیقت باز می‌دارد و موجب غفلت و اعراض از راه خداوند و جلب به شهوت‌رانی، فساد جنسی یا خروج انسان از حالت تعادل روانی و تعقل می‌شود. بنابراین، هر موسیقی، دارای تأثیرات مذکور نمی‌باشد.» (منتظری، ۱۳۸۷).

ه. مطرب بودن

در تعبیر اغلب فقها، اصطلاح «مطرب» و «طرب» به کار رفته و یکی از شاخصه‌های غنا شمرده شده است؛ طوری که توجه غالب فقها روی همین بعد مطرب بودن بوده و حتی از قرائت قرآن به شکل طرب‌انگیز بودن نهی کرده‌اند. طرب، در واقع همان شکل صوری آواز است که به آن اشاره شد.

برای این که این اصطلاح رایج قدری باز شود، به نکاتی اشاره می‌گردد. طرب، یعنی ایجاد شادی و نشاط برای شنونده. حالا هر موسیقی که طرب‌انگیز بود، غنا شمرده شده و حرام است؟ از لابه‌لای

تأصورت موسیقی؛ چنان‌که می‌گوید: «موسیقی اگر موجب تحریک شهوت جنسی و کشش به فساد و یا خروج انسان از حالت تعقل باشد، احداث و گوش دادن به آن جایز نیست (منتظری، ۱۳۸۷). آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر امر محتوا بیشتر تأکید دارد و می‌گوید: «هر موسیقی که به نظر عرف، موسیقی لهوی، مضل عن سبیل الله که مناسب با مجالس عیش و نوش باشد، موسیقی حرام محسوب می‌شود.» (خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۲۴۸).

آیت‌الله موحدی نجفی نیز بر حرمت «آوازی که مشتمل بر باطل باشد، تأکید دارد (موحدی، ۱۳۹۳: ۵۵۶). این احتمال بر باطل بودن آواز، بیشتر بر محتوا دلالت دارد تا صورت.

ج. رسانه مخالف بودن

افزون بر نکات یادشده، نکته جالب در نظر آیت‌الله خمینی است. وی جهت رسانه‌ای بودن موسیقی را هم لحاظ داشته‌اند؛ مبنی بر این که این موسیقی فعلاً رسانه چه نظامی است. سید عبدالله حسینی به نقل از کبری مصطفوی، دختر امام، خاطراتی را نقل کرده است.

«خاطره سوم در مورد نقل قولی است از حاج احمد خمینی که می‌گفتند ما با آقای موسوی اردبیلی، آیت‌الله خامنه‌ای، آقای هاشمی رفسنجانی و میرحسین موسوی نشسته بودیم و ناهار می‌خوردیم. آقای هاشمی پیشنهاد کرد از حضرت امام هم بخواهیم به ما ملحق شود. بعد حاج احمد آقا از امام درخواست کرد و ایشان هم به جمع ملحق شدند. در همان زمان که نشسته بودیم تلویزیون ناگهان یک موسیقی بسیار شاد پخش کرد؛ طوری که اعتراض آقای موسوی اردبیلی درآمد و با حالت اعتراض به امام با لحنی که انگار می‌خواستند «مُچ‌گیری» کنند گفتند: آقا! شما همین را هم دیگر حلال می‌دانید؟ امام فرمودند که بله همین را هم حلال می‌دانم و بعد آقای اردبیلی گفتند: شما همین موسیقی را قبل از انقلاب حرام نمی‌دانستید؟ امام فرمودند: چرا من همین آهنگ را قبل از انقلاب حرام می‌دانستم؟ اما آقای اردبیلی! این مهم است که کی و کجا و با چه هدفی پخش می‌شود. این موسیقی از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می‌شود و اگر همین الان همین آهنگ از تلویزیون عربستان پخش شود حرام است!» (حسینی، ۱۳۹۲).

آیت‌الله شهید سید محمدحسین بهشتی، دقیقاً موضوع حرمت موسیقی غنایی را به امر محتوایی و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی آن برمی‌گرداند و می‌گوید: «بر بعضی از فقها این طور استنباط کرده‌اند که این روایات نمی‌خواهد بگوید که موسیقی به طور کلی حرام است، بلکه این‌ها می‌خواهد بگوید، بساط مجالس لهو و لعب، بساط مجالس خوش‌گذرانی که در زمان امامان معصوم (ع) و در زمان پیشوایان اسلامی در خانه‌های ثروتمندان، حکام، فرمانداران، صاحبان ثروت و قدرت معمول بوده، مجموعاً حرام‌اند. در حقیقت این روایات در صدد بیان حرمت آن سبک موسیقی و آن سبک مجالس عیاشی که در زمان پیشوایان دینی ما در خانه‌ها و در محل زندگی بسیاری از



نظرات و فتوای فقهای چنین بر می آید که این طور نیست؛ زیرا ذات آوازخوانی، ترجیع و طرب انگیزی است؛ حالا چه این آواز یا آهنگ، حماسی، ملی، رزمی و مداحی باشد یا آوازخوانی معمول. از این رو است که در تعابیر برخی فقهای برای «طرب»، قید لهوی و مناسب بودن با مجالس لهو، عیش و نوش نیز اضافه شده است (خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۲۴۸؛ محقق کابلی، ۱۳۹۷: ۳۵۷؛ خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱: ۴۹۷). آیت الله خمینی در پاسخ به استفتائی از «مطرب لهوی» سخن گفته است (شرفخانی، ۱۳۸۰: ۱۰۳). آیت الله بهجت نیز می گوید: «مطرب بودن، قیدی است که در غنا مطرح است نه در موسیقی و اصل اطراب شائی، معیار حرمت است.» (بهجت، ۱۴۲۸: ج ۴: ۵۱۹).

حکم غنا

در حرمت غنا، شاید همه علمای مسلمین توافق نظر داشته باشند. از نظر شیخ انصاری در حرمت غنا، خلافتی وجود ندارد (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۱: ۲۸۵). از نظر صاحب جواهر، غنا، به اجماع فقها و بدون اختلاف و به حکم روایات مستند بر آیات و بیان ائمه (ع) حرام، از جمله مکاسب محرمة و حتی حکم حرمت غنا از ضروریات مذهب دانسته شده است (صاحب جواهر، ۱۳۶۲: ج ۲: ۴۴). شیخ طوسی، غنا را با هر وسیله‌ای که انجام شود، حرام دانسته است (طوسی، بی تا، ج ۶: ۳۰۷؛ خمینی، ۱۴۲۲: ج ۲: ۱۲).

استثنا در غنا

در حرمت تغنی و استماع آن، فقهای استثناء را ذکر کرده اند و آن تغنی زنان در مجالس زفاف عروسان است (صاحب جواهر، ۱۳۶۲: ج ۱۴: ۱۴۱؛ نراقی، ج ۱۱: ۱۴۱). مستند این حکم روایتی است که ابی بصیر از امام صادق (ع) نقل کرده است که ایشان فرمودند: «اجرت زن مغنیه که عروس هارا همراهی می کند، اشکالی ندارد؛ زیرا از خوانندگانی نیست که مردها بر او داخل می شوند.» (وسائل شیعه، ۱۴۱۶: ج ۱۷، ۱۲۰). از فقهای معاصر، امام خمینی، مقام معظم رهبری، آیت الله گلپایگانی نیز قائل به جواز غنای زن در مجالس عروسی هستند (شرفخانی، ۱۳۸۰: ۹۳ تا ۱۵۵). آیت الله موحدی نیز ضمن تأیید این نظر، تأکید کرده است که نباید در مجالس دیگر خوانده شود (موحدی، ۱۳۹۳: ۵۵۶). مرحوم آیت الله خوئی نیز آوازخوانی زن را با استفاده از روایت ابی بصیر به سه دسته تقسیم نموده است:

۱. آوازخوانی در مجالس مختلط؛

۲. آوازخوانی در مجالس عروسی مخصوص زنان؛

۳. آوازخوانی در مجالس زنان در غیر عروسی. بعد ایشان فتوا دادند که غنا و آوازخوانی زن فقط در مجالس عروسی زنان مجاز است و قسم اول و سوم حرام است (قره العین عابدی، ۱۳۸۲: ۶۰)؛ اما بعضی از فقهای مانند آیت الله مکارم، آیت الله سیستانی و... گفته اند که حتی در شب عروسی هم برای زنان، آوازخوانی جایز نیست (شرفخانی، ۱۳۸۰: ۹۳).

گرچه در روایت دیگر، معصوم، انجام دادن غنای زن آوازخوان در عید فطر و عید قربان و ایام خوشی را زمانی که در آن، معصیت الهی صورت نگیرد، اجازه داده است. (سألته عن الغناء هل یصلح فی الفطر والأضحی والفرح؟ قال: لا بأس به ما لم یعص به)؛ اما شیخ حر عاملی، قید زده است که این، مخصوص زفاف است که با عید فطر و اضحی هم زمان شود و یا شاید این اجازه از روی تقیه باشد (وسائل شیعه، ۱۴۱۶: ج ۱۷: ۱۲۲). به نظر می رسد قید صاحب وسائل شیعه به قرینه روایاتی باشد که غنای آوازخوان زن در مجالس عروسی را اجازه داده است.

نظر عرف در تشخیص موسیقی

در اغلب فتواها دیده شده که تشخیص موسیقی غنایی از غیر غنایی به عهده عرف است. پرسش این است که منظور از عرف چه کسی است؟ آیا منظور، عرف خاص است یا عام؟ از نظر آیت الله منتظری، «عرف، نوع و عموم مردم است.» (منتظری، ۱۳۸۳: ج ۱: ۱۴۴). در فتوای امام خمینی، خامنه‌ای، محقق کابلی، موحدی نجفی و... فقط از معیار بودن تشخیص عرف سخن گفته شده؛ اما از نظر آیت الله مکارم شیرازی، «عرف یعنی افراد فهمیده و متدین از توده های مردم.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷: ۲۱).

تفکیک موسیقی و غنا

غنا، نوع خاصی از موسیقی است که به شاخصه های آن اشاره شد؛ اما موسیقی، شامل انواع آهنگ و آوازخوانی می شود که امروزه به عنوان یک رشته علمی و تخصصی به آن پرداخته می شود؛ چنان که از گذشته موسیقی توسط افراد حرفه ای دنبال می شد. بنابراین، «موسیقی و غنادو امر متفاوت هستند موسیقی مربوط به آلات و ابزار خاص خود است، ولی غنا صفت صوت و خوانندگی محسوب می شود.» (جمعی از محققین، ۱۳۸۶: ج ۴: ۵۷ و ۵۸). به بیان دیگر «آن چیزی که در اسلام حرام است، غنا است، نه موسیقی، موسیقی هر آهنگ و صدایی است که از حنجره یا وسیله ای، به یک شکل حساب شده بیرون می آید؛ اما آن چیزی که حرام است نوع خاصی از موسیقی است که غنا باشد. علت این که نظرات مختلف است، این است که در مورد غنا، ما آیات و روایات صریح که مشخص کنند غنا چگونه چیزی است، نداریم؛ لذا استنباط فقهی از غنا متفاوت است.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۶).

کف زدن

یکی از پرسش های معمول درباره حرمت و جواز دست زدن برای تشویق و تأیید در مسابقات علمی و غیره است. در این رابطه، امام خمینی، منتظری، خامنه‌ای و بهجت، قائل به جواز دست زدن هستند، مشروط بر این که مفسده ای بر آن مترتب نشود (خمینی، ۱۴۲۲: ج ۲: ۱۵؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۲۵۹؛ منتظری، ۱۳۸۳: ج ۱: ۱۴۵؛ بهجت، ج ۸۳)؛ اما یکی از فقهای با دست زدن فی نفسه مخالفت کرده اند (تبریزی، ۱۳۸۵: ج ۱: ۲۲۲).



آوازخوانی زنان

غنا به خودی خود حرام است و فرقی بین شنیدن غنای زن و مرد وجود ندارد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۴). با این حال، موضوع آوازخوانی زنان از گذشته تا کنون، چالشی و با موافقت یا مخالفت تند علما مواجه بوده است. به نظر می‌رسد ریشه این برخورد تند، به دلیل ناآشنایی با تاریخ و زمینه‌های اجتماعی غنا در عصر ائمه و یا احتیاط بوده است. از همین رو است که راجع به آوازخوانی زنان دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول، فتوا به جواز آوازخوانی زنان داده‌اند؛ مشروط بر این که مفسده‌ای بر آن مترتب نشود (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۷۱؛ منتظری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۴۵؛ فیاض، ۱۳۸۰: ۵۳۹؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ج ۲: ۲۶ و سیستمی، ۱۳۹۷).

با توجه به نکات یادشده، فرقی بین تک‌خوانی یا هم‌خوانی زنان با مردان وجود ندارد (منتظری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۴۵؛ همان، ج ۲: ۱۴۵ و خامنه‌ای به نقل از خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲).

اما دیدگاه دوم با آوازخوانی زنان، از باب احتیاط واجب، مخالفت کرده است؛ هرچند قصد ربه و لذت هم وجود نداشته باشد (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴: ۵۳۰). آیت‌الله فاضل، مطلقاً اجازه نداده‌اند (فاضل، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۸۴). آیت‌الله مکارم شیرازی هم گفته‌اند: «خوانندگی نوع مباح برای زنان در صورتی جایز است که مجلس مخصوص به جنس خودشان باشد؛ خواه دسته‌جمعی بخوانند، یا به تنهایی.» (مکارم شیرازی، به نقل از بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۹۷).

هم‌خوانی زنان یا زنان و مردان در سرودها و تواشیح

همه مراجع (به جز بهجت، صافی و مکارم): اگر به صورت غنا نباشد و باعث تهییج شهوت و مفسده نگردد، اشکال ندارد؛ اما از نگاه بهجت، صافی و مکارم، اگر باعث مفسده شود، حرام است و بدون آن نیز بنابر احتیاط واجب، جایز نیست (مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، ۱۳۹۳).

خلاصه، آن‌چه در رابطه با جایز نبودن خوانندگی زن بیان شده، ترس از تحریک شهوت مردان است و منع خاصی در خوانندگی زن وجود ندارد؛ زیرا «بنابر ادله و حکم فقهی بیان شده از جانب فقها، می‌توان گفت ممنوعیتی در گوش دادن به این نوع از آوازخوانی زن وجود ندارد؛ مشروط بر آن‌که با حرام دیگر همراه نباشد و موجب مفسده نیز نشود.» (حسن‌زاده، ۱۳۹۳). «در هر حال، برای زنان طبق نظر همه مراجع

اگر صدای خواننده زن بدون مفسده و غنا و شکل لهنوی باشد، گوش دادن مانعی ندارد و برای مردان بر فرض مشتمل نبودن صدا بر مفسده و سایر موارد ذکرشده، طبق دیدگاه اول صحیح است.» (شرفخانی، ۱۳۸۰: ۹۳ تا ۱۵۵).

صحبت با زنان

در اسلام از ابتدا تا کنون برخورد سخت‌گیرانه‌ای نسبت به زن وجود داشته است و بخشی از این موضوع، ریشه در جامعه عرب، به خصوص در جوامع قرن‌های اولیه دارد؛ چنان‌که حتی موضوع صحبت زن با مرد نیز در متون دینی مطرح بوده است. صاحب عروة الوثقی می‌گوید: «شنیدن صدای نامحرم زمانی که با لذت و ربه نباشد، اشکال ندارد و در این رابطه فرقی بین کور و بینا نیست؛ اگرچه احتیاط این است که در غیر ضرورت ترک شود. البته شنیدن صوتی که برای تهییج شنونده با صدای ظریف و کرشمه باشد، حرام است؛ زیرا قرآن فرموده: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب، ۳۲): «ای زنان پیامبر! با صدای تان ناز و عشوه مریزید تا کسی که در دل او مرض (فسق و فجور) است (در شما) طمع ورزد.» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۴۹۰).

با توجه به آیه یادشده، گفته شده که صدای زن نباید طرب‌انگیز، محرک و همراه با ناز و کرشمه باشد (جمعی از محققین، ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۷ و ۵۸)؛ اما شنیدن صدای زن توسط مرد بیگانه و نامحرم که بدون مفسده باشد، گفته شده که اشکال ندارد (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۷۱). البته آیه ۳۲ سوره احزاب، خطاب به زنان پیامبر است. فقها از «فلا تخضعن بالقول» به دلیل این که خصوصیات زنانگی بین زنان پیامبر و دیگر زنان، مشترک است، استفاده عموم کرده‌اند و از نظر آنان، این فرمان الهی شامل همه زنان می‌شود و اختصاص به زنان پیامبر ندارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۴۹۰؛ جمعی از محققین، ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۷ و ۵۸).

در این دیدگاه چند نکته قابل تأمل است:

۱. این که آیه، مشخصاً خطاب به زنان پیامبر است؛
۲. بر فرض قبولی عمومیت آن، ناظر بر صحبت دو نفره است؛ زیرا به صراحت می‌گوید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»

وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ پس با گفتارتان ناز و عشوهِ مرزید تا کسی که در دل او مرض (فسق و فجور) است (در شما) طمع ورزد و گفتار نیکو (و دور از تحریک و ریه) بگوید.

نقش زمان و مکان در حرمت و جواز موسیقی

یکی از جنبه‌های پویایی فقه شیعه این است که نسبت به تغییر موضوع، احکام نیز تغییر می‌کند. چنین امر در طول فقه شیعه از جمله در جواز شطرنج در ایران اگر صرفاً جنبه سرگرمی و بازی فکری داشته باشد، کم‌وبیش دیده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷: ۲۱). چنان‌که خود می‌فرمایند: «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند.» (صحیفه امام، بی‌تا، ج ۲۱: ۲۸۹؛ جمعی از محققین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۴۱۸ و ۱۴۱۹).

باتوجه به این مبنا، موضوع موسیقی در سال‌های پایانی عمر امام، با فرازونشیب عجیبی روبه‌رو گردید. چنان‌که در ۱۹ سنبله/ شهریور ۱۳۶۷ ش، در پاسخ به سؤالی درباره «خرید و فروش آلات لهو و لعب جهت استفاده‌های مشروع»، تصریح فرمودند: «خرید و فروش آلات مشترکه به قصد منافع محله آن اشکال ندارد.» (مولادوست، ۱۳۸۵: ۴۰، به نقل از مصاحبه حجت‌الاسلام سید احمد خمینی با روزنامه کیهان در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۱۱).

تعبیر «منافع محله» نشان‌دهنده این بود که موسیقی، قابلیت استفاده در منافع حلال را دارد؛ خصوص که وی از «اشکال نداشتن صدای مشکوک و آلات مشترکه» نیز در جواب پرسش‌هایی که از او می‌شد، سخن می‌گفتند (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۲). این دو مسأله یادشده، «زمانی قابل طرح است که «غلبه» با بهره‌های حلال باشد؛ حال آن‌که در روزگار حکومت طاغوت این غلبه در استفاده حرام و فسادانگیز بود و بحث «موسیقی مشکوک و آلات مشترکه» بیهوده می‌نمود.» این تطور دیدگاه، نتیجه نقش زمان و مکان در استنباط است (مولادوست، ۱۳۸۵: ۴۰، به نقل از روزنامه رسالت، ۱۳۶۷/۱۲/۱۳).

تاریخ دمبوره و دمبوره‌نوازی در افغانستان

تاریخ موسیقی افغانستان با تاریخ خود مردم این سرزمین گره خورده است؛ چه این‌که موسیقی، همواره به شکل ابتدایی آن، با آدمی همراه بوده است. دمبوره، یکی از ابزار موسیقی و رایج در میان هزاره‌ها و برخی اقوام دیگر افغانستان و خراسان بزرگ است. دمبوره یا دوتار هزاره، شکل اولیه تنبور است. دمبوره‌نوازی با شیوه خاص و نت‌های ویژه که از گذشته در سرزمین خراسان بزرگ رایج بوده است و «رایج‌ترین ساز زهی افغانستان است که دو تار نایلونی دارد.» (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۷).

فارابی (۲۵۰-۳۲۸)، یک فصل بلند کتاب خود (موسیقی کبیر) را به معرفی تنبور، نحوه دسته‌بندی و بیان فاصله‌های آن اختصاص داده است. «وی دو نوع تنبور را که در ساختمان و اندازه و نظام پرده‌بندی با یک‌دیگر تفاوت و در روزگار او رواج داشته‌اند، معرفی کرده است؛

آن‌چه در رابطه با جایز نبودن خوانندگی زن بیان شده، ترس از تحریک شهوت مردان است و منع خاصی در خوانندگی زن وجود ندارد؛ زیرا «بنابر ادله و حکم فقهی بیان‌شده از جانب فقها، می‌توان گفت ممنوعیتی در گوش دادن به این نوع از آوازخوانی زن وجود ندارد؛ مشروط بر آن‌که با حرام دیگر همراه نباشد و موجب مفسده نیز نشود.



دارد. در هزاره‌گی به آن دمبوره می‌گویند که با واژه دم نزدیک است؛ اما می‌توان طوری دیگری نیز دمبوره را معنا کرد: آن چه دم، نفس و روح را خوش آید و باعث شادی و فرحزایی دم و روح شود. صدای روح و دم نواز از آن برآید.» (شریعتی، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

نوع آهنگ و ساختار دمبوره

آهنگ‌هایی که توسط دمبوره نواخته می‌شوند، غالباً غمگین‌اند و بسیار کم دیده شده است که توسط دمبوره در هزاره‌جات یک آهنگ شاد تولید شود. از این‌رو است که اغلب ترانه‌هایی که با دمبوره تولید شده، ساختار حزن‌انگیز دارند. ترانه‌هایی که با دمبوره خوانده می‌شوند، بیشتر دوییتی یا در وزن هستند.

محتوای آهنگ‌های هزاره‌گی با دمبوره

در میان عرف و مردم، آهنگی که با دمبوره ساخته می‌شود، دمبوره خوانده می‌شود؛ یعنی آهنگ دمبوره با عنوان خود دمبوره شهرت یافته است؛ مثلاً به کسی که مشغول گوش دادن به آهنگ دمبوره باشد، گویند: «دمبوره گوش می‌کنی؟» یا سفارش دهند: «دمبوره بگذار.» بنابراین، واکنش‌های مثبت و منفی نیز با دمبوره چنین است که گاه منظور از دمبوره، یکی از ابزار موسیقی است و گاه منظور آهنگی است که توسط دمبوره خوانده شده است.

اما از نظر محتوا تمام آهنگ‌های هزاره‌گی و تولیدشده با دمبوره، بر محور ادبیات عامیانه با درونمایه عشق، دوری از محبوب، رنج مهاجرت، تاریخ سرشار از نسل‌کشی و آرزوهای انسان هزاره را تشکیل می‌دهد.

«در دوییتی‌های نواخته‌شده همراه با نواهای دمبوره، ظلم طبقه حاکم بر ملا می‌شود؛ زیرا تمام دوییتی‌ها، فی‌البداهه از متن جامعه و مردم این خطه سروده شده‌اند. صدای دمبوره لذت‌بخش‌ترین و ماندگارترین ضربان موسیقی در هزاره‌جات محسوب می‌شود، چهار فصل زندگی مردم هزاره‌جات با تارهای دمبوره عجین شده است.» (شفقنا، ۱۳۹۶)؛ چنان‌که «دمبوره هزاره فقر، بدبختی و نسل‌کشی‌های یک قرن در کوه‌بندهای هزارستان را در خود گنجانیده است.» (آزاد هزارستان، ۲۰۱۵).

دمبوره در جامعه هزاره، جایگاه نیکو و بلند دارد و شاعران زیادی در وصف آن شعر گفته‌اند؛ از جمله سید ابوطالب مظفری در مثنوی

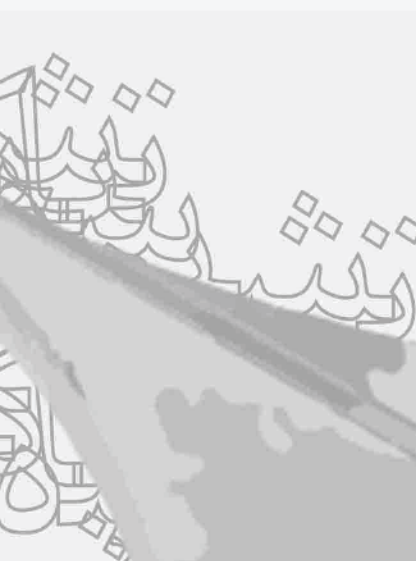
یکی تنبور خراسانی رایج در خراسان و سرزمین‌های واقع در شمال و خاور این ولایت و دیگری، تنبور بغدادی که در عراق و مناطق مجاور آن معمول بوده است.» (تاریخ هزاره‌ها، ۲۰۱۴، به نقل از کتاب موسیقی کبیر فارابی، ج ۲: ۶۳۰ و ۶۲۹).

به عبارتی، «دمبوره هزاره‌گی، همان تنبور یا تمبور کهن خراسانی و جهانی است. اگر نمونه‌های تنبور کهن را در آثار کشف‌شده باستانی در شوش نگاه کنیم، به دمبوره هزاره‌گی بسیار شبیه است؛ گویا تنبور در ایران و جهان تحول یافته، علمی شده؛ اما دمبوره هزاره‌گی به همان شکل نخستین و دست‌نخورده باقی مانده است.» (تاریخ هزاره‌ها، ۲۰۱۴).

به باور عارف جعفری، آوازخوان و آهنگ‌ساز هزاره، دمبوره مانند دیگر ابزار موسیقی است و استفاده دوسویه دارد. در مغولستان و میان ازبک‌ها به صورت شاد نواخته می‌شود. در میان هزاره‌ها به حالت غمگین و به نوعی مخته‌مانند استفاده شده و این، دلیل روانشناختی دارد؛ زیرا مردم هزاره بعد از قتل عام عبدالرحمان خان، مردم غمگینی بوده‌اند. فرم و ملودی موسیقی هزاره پیش از قتل عام با اکنون فرق داشته و در آن زمان خنیاگران زیاد داشته‌ایم (جعفری، ۱۳۹۷).

جعفری معتقد است، دمبوره با وارد شدن سپاه مغول در خراسان بزرگ وارد شده و دلیل آن، استفاده مغول‌ها و ترک‌تبارها از دمبوره است. مغول‌ها هرچارفته این ابزار موسیقی را از خود به جا گذاشته‌اند و عرب‌ها آن را «تنبور» و در ترکیه «تنبورا» گفتند. البته بعدها تغییراتی در تنبور ایجاد کرده‌اند. این که دمبوره میان هزاره‌ها بسیار جا افتاده و مردم با آن بسیار انس دارند، دلیلش این است که دیگر ابزاری در اختیار این مردم نبوده و در واقع، دمبوره، نوعی موسیقی بین دیوارهای کاه‌گلی است که جمعی دور آن جمع شوند و با آن عقده‌های دل خود را تخلیه کنند. از این‌رو دمبوره در کنسرت‌ها و در پشت بلندگو خاصیت طبیعی خود را از دست می‌دهد؛ مگر این که تغییراتی در آن ایجاد کنند و شکل ملودی را بالا ببرند (جعفری، ۱۳۹۷).

از دیدگاه دیگر، از نام دمبوره یا تنبور، فارسی و هزاره‌گی بودن آن فهمیده می‌شود. «به طور نمونه، مطرح شده که واژه تنبور در اصل، مرکب است از دم/دُنْب و بُره؛ چه این که این ساز به دم بره شباهت





علما را بیشتر در پی داشت. از این واکنش‌ها به خوبی تاریخ برخورد علما با موسیقی در افغانستان، به خصوص در هزاره‌جات را می‌توان به دست آورد.

شورای علمای شیعه مرکز بامیان (یکی از دو شورای علما در بامیان) سه روز مانده به برگزاری جشنواره، نخستین واکنش را داشت. این شورا در بیانیه خود آورده بود: «یقیناً و بدون شک رقص، موسیقی و نواختن دمبوره با این حالت و وضعیتی که در بامیان برگزار می‌شود، در بسا موارد، یکی از مصادیق لهو‌الحديث به حساب آمده و از نظر دین و شریعت مقدس اسلام، حرمت آن آشکار است. همه مراجع تقلید فتوا بر حرمت آن داده‌اند. مسلماً تعمیم موسیقی همراه با رقص و پای‌کوبی (نواختن دمبوره) سهم بزرگ در به وجود آوردن ناپسندی‌ها دارد و لطمه اخلاقی بر پیکره فرد و اجتماع وارد می‌کند. نغمات موسیقی، رقص و نواختن دمبوره اجتماع را به فساد و انحراف می‌کشاند؛ خصوصاً اگر مختلط از زن و مرد باشد و کسی که تحت تسلط موسیقی قرار می‌گیرد، جز شهوت‌رانی، عشق‌بازی و جمال‌پرستی چیز دیگری در برابر دیدگان‌شان مجسم نمی‌شود (شورای علمای شیعه مرکز بامیان، ۱۳۹۶).

به دنبال این بیانیه، آیت‌الله مهدی مزاری از علمای افغانستان در فتوایی گفته بود: «جشنواره دمبوره اگر همراه با رقص و اختلاط زن و مرد باشد بنابر اقوی حرام است؛ اما اگر این جشنواره همراه با اختلاط زن و مرد نباشد و از جهات دیگر هم موجب وهن مذهب نگردد، بنابر احتیاط واجب، محکوم به حرمت می‌باشد.» (مزاری، ۱۳۹۶).

درست در همین روزها آیت‌الله سید محسن حجت نیز بیانیه داد

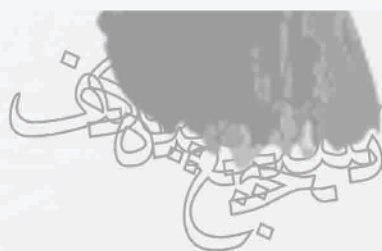
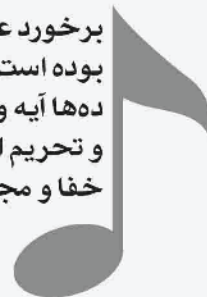
مشهور «دمبوره‌نامه»، «دمبوره را مونس و همدم خود می‌داند و از صفدر، داوود و دلارام که از چهره‌های ماندگار موسیقی محلی هستند، یادآوری کرده و از فتوافروشان شکایت دارد. با دمبوره سری به گل‌خار کوه چهل دختران می‌زند. از حماسه شیرین قهرمان، دخت هزاره یاد نموده و به جایگاه تاریخی دمبوره اشاره دارد. از جایگاه بلند دمبوره می‌گوید و بر ماندگار و جاویدانگی صدا تأکید می‌کند و الحق که تنها صداست که می‌ماند.» (محبی، ۱۳۹۶).

تحریم دمبوره

برخورد علما با دمبوره مانند برخورد بیشتر علما در جهان اسلام با موسیقی بوده است. در جامعه سنتی هزاره‌جات، به مراتب این برخورد شدید بوده و ده‌ها آیه و حدیث در مزمت آن خوانده شده است؛ تا آن‌جا در حد شکستن دمبوره و تحریم اجتماعی نوازندگان آن پیش رفته است. با آن‌هم دمبوره‌نوازی غالباً در خفا و مجالس خصوصی دوستانه انجام شده و کاست آن پخش شده است. البته فراز و فرود استقبال مردم نسبت به شرایط جامعه را نمی‌توان نادیده گرفت. در دهه چهل و پنجاه سده جاری از آهنگ‌های دمبوره استقبال شده و در عروسی‌ها و محافل دوستانه پخش شده است. در دهه شصت و هفتاد با توجه به شرایط جنگ و حاکمیت فضای جهادی، موسیقی و دمبوره‌نوازی، جز آهنگ‌های انقلابی، به حاشیه رفته است. در دهه هشتاد و نود سده جاری، رویکرد جامعه به موسیقی محلی بیشتر بوده است.

در تابستان ۱۳۹۶ ش، در مرکز ولایت بامیان، «جشنواره دمبوره» با حضور هنرمندان موسیقی اعم از زن و مرد برگزار گردید و هرچه جشنواره به زمان برگزاری نزدیک می‌شد، واکنش تند برخی محافل و

برخورد علما با دمبوره مانند برخورد بیشتر علما در جهان اسلام با موسیقی بوده است. در جامعه سنتی هزاره‌جات، به مراتب این برخورد شدید بوده و ده‌ها آیه و حدیث در مزمت آن خوانده شده است؛ تا آن‌جا در حد شکستن دمبوره و تحریم اجتماعی نوازندگان آن پیش رفته است. با آن‌هم دمبوره‌نوازی غالباً در خفا و مجالس خصوصی دوستانه انجام شده و کاست آن پخش شده است.





که در بخشی از این بیان آمده بود: «با کمال تأسف و تأثر شدید با خبر شدیم که عده‌ای تصمیم گرفته‌اند در آن شهر مذهبی و تاریخی، مجلس فسقی به نام جشنواره دمبوره برگزار نمایند و مقدسات اسلام و قرآن را نادیده گرفته، حتی به ملت شریف و مؤمن بامیان باستان اهانت نمایند.

ناگفته پیداست که امروز دشمنان اسلام و دشمنان مذهب اهل بیت (ع) از جوانب مختلف کوشش می‌کنند تا هر طور شده ما را از سنت‌های اسلامی و مذهبی مان دور و در منجلاب ضلالت و فساد غرق نمایند و اینک هم با به راه انداختن مجلس غنا و رقص و پایکوبی و نواختن دمبوره و اختلاط بین دختران و پسران و تشویق آنان به فساد و رها کردن مناسک دینی و به جای آن رو آوردن به امور شیطانی که



نتیجه‌اش جز بی‌خدایی چیز دیگری نخواهد بود. بر همه مؤمنین و مؤمنات واجب است، حتی المقدور جلو این جشنواره کذابی را گرفته و مانع برگزاری آن بشوند **وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ**. (حجّت، ۱۳۹۶).

بررسی واکنش علما

واکنش‌های علما با موسیقی، به خصوص دمبوره غالباً بر پیش‌فرض‌ها، نداشتن فهم درست از تاریخ موسیقی و زمینه‌های آن در عصر صدور روایت، درک نکردن فضای دمبوره‌نوازی و محتوای آن استوار است. از فیلم‌ها و عکس‌های منتشرشده جشنواره دمبوره در بامیان به خوبی پیدا بود که نه رقصی وجود داشت و نه اختلاط مردان و زنان. آهنگ‌ها اغلب با هم‌خوانی دختران جوان و دمبوره‌نوازی مشترک مردان و زنان انجام شدند. شرکت‌کنندگان نیز در دو بخش مردانه و زنانه نشسته بودند. نوع آهنگ‌ها نیز حالت عادی و معمولی را داشت.

با توجه به آنچه در جشنواره گذشت، نکات مطرح‌شده در موضع‌گیری علمای محترم مصداق و موضوعیت نداشت، چه برسد که عنوان حرمت بر آن بار شود. اصولاً آنچه در تاریخ موسیقی در صدر اسلام می‌خوانیم هیچ کدام در هزاره‌جات نبوده است؛ نه بزم عیش و نوش (شراب) آن‌گونه که در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس رایج بود، در هزاره‌جات دایر بوده و نه مجلس مختلط بی‌بندوباری مانند مجالس آنان که زنان و مردان در آن مجالس برقصند، وجود داشته است؛ نه محتوای آهنگ‌ها، مبتنی بر باطل و رسانه مخالف دین و مذهب بوده، نه ریتم و نوع آهنگ‌های ایجادشده توسط دمبوره، قابلیت غنا را داشته است. بنابراین، تطبیق روایات و احکام غنا بر محافل دمبوره و دمبوره‌نوازی در افغانستان، ناشیانه و از روی ناآگاهی و یا برخورد سیاسی است تا برخورد واقع‌بینانه علمی و فقهی.

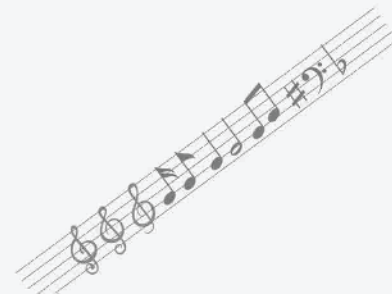
بنیاد نتیجه

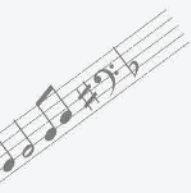
در تاریخ اسلام، موسیقی همواره، پدیده چالشی بوده و خود نیز فراز و فرود بسیار داشته است. از تاریخ موسیقی در صدر اسلام پیداست که ابتدا مخالفان پیامبر (ص) در جنگ‌ها از موسیقی به منظور تحریک و تشجیع سپاه استفاده کرده است. در زمان خلفای اموی و عباسی، به عنوان رسانه، ابزار خوش‌گذرانی، عیش و نوش و گاه به عنوان یک حرفه و فن مطرح بوده است. موسیقی یادشده در آن جامعه به عنوان «غنا»، خوانندگان و نوازندگان مرد و زن به عنوان «مغنی» و «مغنیه» مطرح بوده‌اند.

برخورد پیامبر (ص) و ائمه (ع) با غنا، بسیار شدید بوده است. آنان تلاش کرده‌اند مردم را از نزدیک شدن به غنا باز دارند. از این‌رو در روایات آنان، مطالبی در نکوهش غنا، محافل غنا، خرید و فروش آلات غنا و خرید و فروش کنیزان نوازنده، به وفور یافت می‌شود. روایات یادشده، مستندات تحریم و یا مکروه دانستن موسیقی از سوی فقها در طول تاریخ فقه شیعه و اهل سنت بوده است.

آنچه از کتب فقهی و فتوای فقها به دست می‌آید، پرداختن به

در تاریخ اسلام، موسیقی همواره، پدیده چالشی بوده و خود نیز فراز و فرود بسیار داشته است. از تاریخ موسیقی در صدر اسلام پیداست که ابتدا مخالفان پیامبر (ص) در جنگ‌ها از موسیقی به منظور تحریک و تشجیع سپاه استفاده کرده است. در زمان خلفای اموی و عباسی، به عنوان رسانه، ابزار خوش‌گذرانی، عیش و نوش و گاه به عنوان یک حرفه و فن مطرح بوده است. موسیقی یادشده در آن جامعه به عنوان «غنا»، خوانندگان و نوازندگان مرد و زن به عنوان «مغنی» و «مغنیه» مطرح بوده‌اند.





منابع

- ایرانی، اکبر، موسیقی و... سال پنجم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان، ۱۳۸۶.
- ابن ابی الحديد المدائنی، ابو حامد، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانية، بیروت: دار الإحياء الكتب العربية، ۱۳۸۵.
- ایرانی، اکبر، موسیقی و شعر سیاسی در دوره امویان، آینه میراث، سال پنجم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان، ۱۳۸۶.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲.
- ابن قتیبہ دینوری، عبدالله ابن مسلم، الشعر و الشعراء، تحقیق دخویه، بریل، لیدن، بی جا: بی نا، ۱۹۰۲.
- ابن عبری، غریغوریوس، تاریخ مختصر الدوال، تحقیق أنطون صالحانی، چاپ سوم، بیروت: دارالشرق، ۱۹۹۲.
- آزاد هزارستان، دمبوره گواه هویت تاریخی هزاره، فیس بوک، ۱۸ فبروری ۲۰۱۵، <https://www.facebook.com/AzadHazaristan/>. ۲۰۱۵ posts/۶۵۳۱۶۷۰۷۴۸۰۶۳۴۲۰
- اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی، اشرف محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهر: الهيئة المصرية، العام لکتاب، ۱۹۹۲.
- اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.
- بغدادی، عبدالقادر، خزانه الادب و لب لباب لسان العرب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
- بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، چاپ اول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷.
- بنی هاشمی خمینی، محمدحسن، فتاوی آیت الله العظمی مکارم شیرازی، پورتال انهار، تاریخ مراجعه ۲ سنبله / شهریور ۱۳۹۷، [http://portal.anhar.ir/](http://portal.anhar.ir/node/۱۲۸۷۳#gsc.tab=۰)
- بهجت، محمدتقی، استفتانات، چاپ اول، قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت، ۱۴۲۸.
- بهشتی، سید محمدحسین، گذری بر گفتار شهید بهشتی درباره موسیقی از نظر اسلام، خبرگزاری بین المللی قرآن، ۱۱ عرق / آبان ۱۳۸۷، <http://iqna.ir/fa/۱۳۸۷/news/۱۷۰۲۹۶۹>
- تاریخ هزاره ها، دمبوره، یا دوتار هزاره، فیس بوک، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۴، <https://www.facebook.com/hazarahistory/photos/a.۴۰۷۱۳۹۲۵۶۰۱۱۳۹۵۷۵۶۳۲۸/۲۲۴۴۲۵۸۲۸/?type=۱&theater>
- تبریزی، جواد، استفتانات، چاپ اول، قم: سرو، ۱۳۸۵.
- جاحظ، عمرو بن بحر، التاج فی اخلاق الملوك، (منسوب به جاحظ)، قاهره: بی نا، ۱۹۱۴.
- جاحظ، عمرو بن بحر، البیان و التنبین، بیروت: دار مکتبه الهلال، ۲۰۰۲.
- جاحظ، عمرو بن بحر، رسائل جاحظ، رساله طبقات المغنن، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۲.
- جعفری، عارف، مصاحبه تلفنی محمدحسین فیاض با عارف جعفری در تاریخ ۵ سنبله ۱۳۹۷.
- حجت، سید محسن، بیانیة آیت الله حجت درباره برگزاری جشنواره دمبوره در بامیان، خبرگزاری صدای افغان، ۱۳ سرطان ۱۳۹۶، <https://www.avapress.com/fa/۱۳۹۶/news/۱۴۵۹۴۹>
- حسن زاده، محبوبه، حرمت خوانندگی زنان، عمل به شرع یا مشهورات، ۱۸ اسد / مرداد ۱۳۹۳، <http://mehrkhan.com/fa/news/۱۳۹۳/۱۳۳۵۳/>
- حسینی، سید عبدالله، خاطراتی از اطرافیان امام درباره نظر ایشان پیرامون موسیقی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲/۰۷/۲۱، <http://www.imam->

جنبه صوری موسیقی است که بیشتر روی مدّ (کشیدن) صوت همراه با ترجیع (برگردانیدن و بازگشت دادن آواز) و طرب (شادمانی) تمرکز شده است. چنین استنباط، باعث شده است که هم غنا درست شناخته نشود و هم اصل موسیقی، در فقه مهجور بماند. البته در قرن اخیر، عناوین «مناسب بودن با مجلس عیش و نوش»، «مترتب نبودن مفسده» و «مناسب نبودن با مجلس لهو و گناه» بر تعریف غنا افزوده شده و در فتاوی علمای اخیر، موضوع «محتوا» و «رسانه مخالف بودن» نیز مطرح شده است که در مجموع، چهار ویژگی برای غنا و موسیقی حرام نام برده شده است. این ویژگی ها عبارت اند از:

۱. شکل صوری آواز (مد، ترجیع و مطرب بودن)؛

۲. لهوی بودن (گمراه کننده از راه خدا)؛

۳. مناسب مجلس عیش و نوش بودن؛

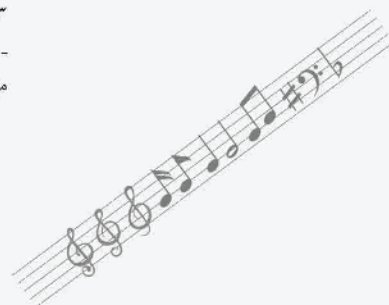
۴. رسانه مخالف بودن.

افزون بر ویژگی های یادشده برای تعریف غنا، نگاه نوبه موسیقی و به کارگیری تعبیر «آلات مشترکه»، «منافع محلله» و «اشکال نداشتن موسیقی مشکوک»، راه را برای موسیقی تا حدودی باز کرده است تا به روشنی، موسیقی از غنا تفکیک شود.

برخورد علما با موسیقی و به خصوص دمبوره در افغانستان نیز، غالباً بر پیش فرض ها، نداشتن فهم درست از تاریخ موسیقی و زمینه های آن در عصر صدور روایت، درک نکردن فضای دمبوره نوازی و محتوای آن استوار است. از این رو مخالفت برخی علما با موسیقی در افغانستان، تند و غیر واقع بینانه بوده است.

سخن پایانی این که بررسی همه جانبه تاریخ موسیقی و زمینه های اجتماعی آن در عصر صدور روایات و ویژگی که برای غنا بر شمرده شد، نشان می دهد که در حرمت موسیقی غنایی، میان زن و مرد تفاوتی نیست؛ چنان که بر عکس اگر آواز طرب انگیز و غنایی نباشد و زمینه ساز مفسده و تهییج شهوت نگردد، حرمت شرعی ندارد. در موضوع یادشده از نظر ادله، فرقی میان هم خوانی و تک خوانی زنان، مشروط به این که غنایی نباشد، وجود ندارد. البته ممنوعیت آواز خوانی زن، از باب احتیاط است، نه این که مستندی داشته باشد.

روشن است که موسیقی، علم است و اجرای آن اگر همراه با حرام های دیگر چون تحریک جنسی، اختلاط زن و مرد (پارتی) مناسب مجلس بزم و عیش نباشد، حرام نبوده و نیست. برخورد سلیقه ای و سوء استفاده از کلمه «غنا» و هر موسیقی را غنا دانستن، درست نیست. میان موسیقی های موجود سنتی و محلی و موسیقی غنایی تعریف شده در زبان روایات و فتاوی فقها، فرق بسیاری است.



- خامنه‌ای، سید علی، هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، جلسه «پیش و پاسخ در دانشگاه»، ۱۳۶۶/۹/۲۵، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه؛ <https://hawzah.net/fa/Book/View/45225>
- خامنه‌ای، علی، اجوبه الاستفتائات، چاپ چهارم، قم: دفتر آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۲۴.
- خمینی، سید روح الله موسوی، استفتائات، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، ۱۳۷۹.
- راغب اصفهانی، حسین محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲.
- سپهری، محمد، موسیقی حجاز در عصر امویان فصل‌نامه علمی، پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال سوم، شماره نهم، بهار، ۱۳۹۲.
- ستایشگر، مهدی، نام‌نامه موسیقی ایران زمین، جلد سوم، چاپ اول، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۶.
- سیستانی، سید علی حسینی، استفتائات، سایت دفتر آیت الله سیستانی، تاریخ مراجعه ۱ سنبله / شهریور ۱۳۹۷؛ <https://www.sistani.org/persian/qa/20585/search>
- سیوطی، عبدالرحمان جلال‌الدین، لباب النقول فی أسباب النزول، بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۲۲.
- شرفخانی، خوبی، احمد، انسان، غنا، موسیقی، چاپ اول، قم: انتشارات مشهور، ۱۳۸۰.
- شریعتی، حفیظ الله (سحر)، فرهنگ شفاهی مردم هزاره (جستاری در فرهنگ عامه هزاره‌های افغانستان)، چاپ اول، مؤسسه نشراتی کاتب، ۱۳۹۰.
- شفقنا، دمبوره‌رسانترین روایتگر تاریخ اجتماعی مناطق مرکزی، جمعه ۱۶ سرطان ۱۳۹۶؛ <http://af.shafaqna.com/FA>؛ <http://af.shafaqna.com/FA>
- شورای علمای شیعه بامیان، واکنش شورای علمای شیعه بامیان درباره برگزاری «جشنواره موسیقی دمبوره»، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳ تیر ۱۳۹۶؛ <https://www.yjc.ir/fa/news/6152278/>
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.
- ضیف، شوقی، الفن و مذاهبه فی الشعر العربی، چاپ دهم، مصر: دارالمعارف، بی‌تا.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، عروة الوثقی، تحقیق جامعه المدرسین، چاپ اول، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۰.
- طبرانی، سلیمان بن محمد، (۲۶۰-۳۶۰ق) المعجم الکبیر، تحقیق حمادی عبدالمجید، دوم، قاهره: مکتبه ابن تیمیة، بی‌تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق حسین اشکوری، چاپ سوم، تهران: مکتب المرتضویه، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- طوسی، محمد بن حسن، کتاب الخلاف، چاپ اول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، بی‌تا.
- طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- عاملی، محمد بن حسن، وسائل شیعه، چاپ سوم، قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام

لایحیاء التراث، ۱۴۱۶.

- فاضل، محمد، جامع المسائل، چاپ اول، قم: نشر مهر، ۱۳۷۵.
- فیاض، محمداسحاق، توضیح المسائل، چاپ اول، قم: مجلسی، ۱۳۸۰.
- فیاض، محمداسحاق، استفتائات، سایت دفتر آیت الله فیاض، تاریخ مراجعه ۱ سنبله / شهریور ۱۳۹۷؛ <http://alfayadh.org/fa/#post?type=post&id=5689>
- قرة العین عابدی، سید محمد، غنا در آینه شفاف اهل بیت، چاپ اول، قم: انتشارات استاد مطهری، ۱۳۸۲.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، به اهتمام محمدحسین درایتی، چاپ اول، قم: دارالحديث، ۱۳۸۷.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴.
- مجمع جهانی شیعه، موسیقی و شعر سیاسی در دوره امویان، ۱۸ مرداد ۱۳۹۵؛ <http://shiaudies.com/fa/12377/>
- محبی، علی، نیم‌نگاهی به موسیقی محلی هزاره‌گی، ویلاک خط سوم، ۱۸ حمل / فروردین ۱۳۹۶؛ <http://alim2.blogfa.com/post/111396>
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- محقق کابلی، قربان‌علی، استفتائات، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله محقق، تاریخ مراجعه ۱ سنبله / شهریور ۱۳۹۷؛ <http://www.mohaqq.org/fa/question/63.html>
- مزاری، مهدی، فتاوی حضرت آیت الله مهدی مزاری در خصوص جشنواره دمبوره بامیان، خبرگزاری صدای افغان، ۱۵ سرطان ۱۳۹۶؛ <https://www.avapress.com/fa/news/145951>
- مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، البده و التاريخ، بورسعيد، مکتبه الثقافة الدینیة، بی‌تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی، تاریخ مراجعه ۱ سنبله / شهریور ۱۳۹۷؛ <https://makarem.ir/main.aspx?lid=21&typeinfo=2&sorted=2>
- منتظری، حسین علی، رساله استفتائات، چاپ اول، تهران: نشر سایه، ۱۳۸۳.
- منتظری، حسین علی، جوابیه آیت الله منتظری در مورد موسیقی، ۳۱ شهریور ۱۳۸۷، ویلاک بی‌مکان؛ <http://www.delshodega.blogfa.com/post/271>
- منجد، صلاح‌الدین، بین الخلفاء و الخلفاء فی العصر العباسی، بیروت: دار الکتاب الجدید، نویری، ۱۹۸۰.
- موحی نجفی، محمدباقر، رساله توضیح المسائل، چاپ چهارم، هرات: بخش فرهنگی مدرسه علمیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۹۳.
- مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهلبیت، حکم شرعی خوانندگی زنان، ۱۳۹۳/۱۲/۳؛ <http://ahlolbait.com/article/3666>
- مولادوست، حسن، موسیقی و رسانه ملی، ماهنامه مقام موسیقایی، سال هشتم و نهم، شماره ۳۱، اسفند ۱۳۸۴ و فروردین ۱۳۸۵.
- نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام لایحیاء التراث، بی‌تا.
- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، تاریخ مراجعه ۳ سنبله / شهریور ۱۳۹۷؛ <https://fa.wikipedia.org/wiki/>